



Analysis of Ideological Structures in Persian Language Newspapers in Kurdistan Province: Critical Discourse Analysis

Adel Mohammadi¹, Ferdows Aghagolzadeh², Zahra Abolhasani Chimeh³

1. Ph.D. Student of Linguistics, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. E-mail: zabolhassani@hotmail.com
2. Professor of Linguistics, Department of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: Aghagolz@modares.ac.ir
3. Associate Professor of Linguistics, Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran. E-mail: zabolhassani@hotmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 13 June 2021

Received in revised form:

18 September 2021

Accepted: 20 September

2021

Available online: 22 June

2022

Keywords:

Critical discourse analysis, ideological structures, Kurdistan newspapers, mystification, border zones.

The present study investigates analysis of ideological structures in Persian Language Newspapers in Kurdistan province. The data of this research is collected from these newspaper '250 texts about Iran's Parliament and approval of Free Trade Zones at the specified interval (November 2015 to May 2016). The research methodology is descriptive-analytic and it attempts to analyze the mentioned newspapers by using CDA based on Fairclough's approach and Van Leeuwen's model. The findings show that by examining the texts of newspapers (Sirvan, Soran, Rojan, Diarkohan and Dahngi Kurdistan), ideological structures are more explicit in Soran newspaper. They have the least amount of implicitness and mystification rate which is absolutely in favor of the main current dominant over the political geography of Kurdistan province. Sirvan is also perfectly in favor of the dominant events in the country and contains the most mystification. Dangi Kurdistan and Dyar Kohan have shown critical approaches toward some dominant currents and factions over Iran's 10th parliament. Rojan focusing on approval of Free Trade Zones in Bane-Mariyan, showed a different attitude toward the parliament's policies.

Cite this article: Mohammadi, A., Aghagolzadeh, F., Abolhasani Chimeh, Z. (2022). Analysis of Ideological Structures in Persian Language Newspapers in Kurdistan Province: Critical Discourse Analysis. *Research in Western Iranian Languages and Dialects*, 10 (2), 83-103.



© The Author(s).

Publisher: Razi University.

DOI: 10.22126/JLW.2021.6563.1557



واکاوای ساخت‌های ایدئولوژیکی زبان در روزنامه‌های فارسی‌زبان استان کردستان: تحلیل گفتمان انتقادی

عادل محمدی^۱، فردوس آفاگل‌زاده^۲، زهرا ابوالحسنی چیمه^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. رایانامه:

Adel.m223@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، استاد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: Aghagolz@modares.ac.ir

۳. دانشیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. رایانامه: zabolhassani@hotmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر به بررسی ساخت‌های ایدئولوژیکی زبان در روزنامه‌های فارسی‌زبان استان کردستان پرداخته است. داده‌های پژوهش برگرفته از (۲۵۰) متن در بازه زمانی آذر (۱۳۹۴) تا اواخر خرداد (۱۳۹۵) است که پیرامون انتخابات مجلس و تصویب لایحه تجاری مرزها است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است و با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی رویکرد تلفیقی فرکلاف و الگوی ون لیون، متون روزنامه‌ها را واکاوی کرده است. یافته‌های به‌دست‌آمده بیان‌گر آن است که با بررسی متون روزنامه‌های (سیروان، سوران، روژان، دیار کهن و هفته‌نامه ده‌نگی کردستان) ساخت‌های ایدئولوژیکی زبان به‌ترتیب در روزنامه سوران با صراحت بیشتری بیان شده است و کمترین میزان پوشیدگی و رازگونی را دارد که در راستای قدرت و با جریان حاکم بر جغرافیای سیاسی استان کردستان هم‌سو است. روزنامه سیروان نیز هم‌سو با ساختارهای قدرت گام برمی‌دارد و متون آن از صراحت کمتری برخوردار است و بنابراین بیشترین پوشیدگی و رازگونی را دارد. روزنامه ده‌نگی کردستان و دیار کهن نیز نسبت به جریان‌ات و جناح‌های مجلس رویکردی بسیار متقدانه دارند و روزنامه روژان نیز با تمرکز بر تصویب لایحه تجاری مناطق مرزی، سیاست‌های نمایندگان مجلس را به‌چالش می‌کشد.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲۳ خرداد ۱۴۰۰

تاریخ بازنگری: ۲۷ شهریور ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۹ شهریور ۱۴۰۰

دسترسی آنلاین: ۱ تیر ۱۴۰۱

واژه‌های کلیدی:

تحلیل گفتمان انتقادی،

ساخت‌های ایدئولوژیکی،

روزنامه‌های کردستان،

رازگونی،

مناطق مرزی.

استاد: محمدی، عادل؛ آفاگل‌زاده، فردوس؛ ابوالحسنی چیمه، زهرا (۱۴۰۱). واکاوی ساخت‌های ایدئولوژیکی زبان در روزنامه‌های

فارسی‌زبان استان کردستان: تحلیل گفتمان انتقادی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۱۰ (۲)، ۸۳-۱۰۳.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: 10.22126/JLW.2021.6563.1557

۱- مقدمه

روزنامه‌ها که بخشی از رسانه‌های جمعی هستند، اطلاعاتی را پیرامون مسائل و رویدادهای جامعه در اختیار مخاطبان قرار می‌دهند؛ اما این اطلاع‌رسانی همیشه به‌گونه‌ای نیست که بی‌طرفانه و بی‌نقص ارائه گردد؛ بلکه تنها بازنمودی از حقایق را در تیررس عموم قرار می‌دهند که زیر لوای ایدئولوژی خاصی قرار دارد و این ادعا که متون خبری را بدون از سوگیری و غیر جانبدارانه می‌پندارد، در نگاه تحلیل‌گفتمان انتقادی ادعایی مردود است و به‌چالش کشیده می‌شود (بیکر^۱ و دیگران، ۲۰۱۳: ۱۷)؛ زیرا این رویکرد بدان باور است در جایی که مجادله و چالشی بر سر قدرت وجود داشته باشد، زبان نیز وجود دارد و زبان تنها ابزاری برای ارتباط نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای مدیریت و اعمال قدرت، تقویت ساختارهای اجتماعی و کنترل جامعه است (وداک و مایر^۲، ۲۰۰۹: ۳۳). از همین روست که تحلیل‌گران گفتمان انتقادی به‌مثابه متخصص، رویکردی را برمی‌گزینند تا با شناسایی تحریف متون، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های طبقه حاکم را که در پس این متون نوشتاری نهفته است، آشکار سازند و از این راه به رشد آگاهی خوانندگان یاری رسانند (فاولر^۳، ۱۹۹۱: ۱۶).

براساس این، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که روزنامه‌ها چگونه معنا و مفاهیم را در ساختارهای زبانی همچون «واژه‌ها»، «عبارت»، «بندها» و در نهایت «جملات» به‌منظور تسخیر و به‌چنگ گرفتن اذهان مخاطبان به‌کار می‌گیرند و ساختارهای قدرت و نیز بافت مشخص جامعه در استان کردستان چگونه بر باورها و دیدگاه‌های نویسندگان در این روزنامه‌ها تأثیر می‌گذارد. نوشتار پیش رو در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی رویکرد تلفیقی فرکلاف و الگوی ون لیوون^۴ پیش می‌رود که در لایه توصیف (نظام صرفی، نحوی، معناساختی و کاربردشناختی) مؤلفه‌های زبان‌شناختی نظیر الگوی ارزش‌دهی مثبت و منفی، نام‌دهی، الگوی محوسازی و برجسته‌سازی، مبتداسازی، ساخت‌های نشان‌دار و بی‌نشان و... صورت می‌پذیرد که این مقوله‌ها زبان‌شناختی در رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در ارتباط با ساختارهای کلان و روابط قدرت در جامعه معنا می‌یابد.

از این رو، هدف اصلی پژوهش حاضر این است که با بررسی چگونگی استفاده از ابزارهای زبانی و بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان انتقادی، مشخصه‌های زبانی پنهان و نهفته در متون روزنامه‌های

1. P. Baker
2. R. Wodak & M. Meyer
3. R. Fowler
4. N. Fairclough & T. A. Van Leeuwen

فارسی‌زبان استان کردستان همچون (سیروان، سوران، دیارکهن، روژان، ده‌نگی کردستان) را واکاوی کند و رابطه این متون را در پیوند با جریان حاکم؛ یعنی ساختارهای اجتماعی و سیاسی مورد کندوکاو قرار دهد و نیز از منظر بیناگفتمانیّت به تبیین شکاف‌های ایدئولوژیکی این مناطق با مرکزیت پردازد؛ زیرا بازتاب چنین فضایی در آینه مطبوعات وضعیت پرتنش را برای گفتمان‌های رقیب پدید آورده است که هریک در پی تسلط گفتمانی خود بر آن هستند.

پرسش بنیادین در پژوهش حاضر بر این اساس است که چه رابطه‌ای بین مؤلفه‌های زبانی در سطح خرد (مؤلفه‌های زبان‌شناختی) با سطح کلان؛ یعنی ساختارهای قدرت و گفتمان‌های رقیب در این مناطق به چشم می‌خورد؟ از نگاه نوشتار پیش رو، تمرکز روی این جنگ تبلیغاتی و مطبوعاتی امری چشم‌گیر و مهم است و با توجه به اینکه این پژوهش در حوزه تحلیل گفتمان مختص به جغرافیای سیاسی استان کردستان است، بنابراین با موضوع سایر پژوهش‌های پیشین متمایز است و از این منظر نوآوری دارد.

در پژوهش‌های خارجی پایون^۱ (۲۰۰۸) روزنامه‌ها را با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی کندوکاو و سوگیری‌های جهت‌دار در متون روزنامه‌ها را بررسی می‌کند. اساس پژوهش تحلیلی - توصیفی است که با بهره‌گیری از مؤلفه‌های زبانی همچون مبتدای جمله‌ای^۲، مبتدای گفتمانی^۳ و... عناوین متون خبری عنوان را واکاوی می‌کند که در نتیجه آن (۴۴) عنوان دارای نگرش خشی و کمابیش عاری از سوگیری و (۱۴) عنوان آن تاحدودی جانب‌دارانه و مغرضانه نگاشته شده است. غنام^۴ (۲۰۱۱) عنوان‌های شش روزنامه لبنانی را با بهره‌گیری از رویکرد فرکلافی، با ابزارهای زبان‌شناختی همچون اسم‌سازی^۵، استعاره و... کندوکاو کرده و در نتیجه بیان می‌دارد که ایدئولوژی‌های سیاسی در این روزنامه‌ها با همدیگر در تضاد هستند.

حسن^۶ (۲۰۱۸) ساختارهای ایدئولوژیکی را در عنوان‌های خبری رویدادهای پاکستان و تأثیر آن‌ها بر مخاطبان را بررسی کرده است؛ از نگاه پژوهش‌گر، متون مطبوعاتی به واژگان متکی هستند تا از راه تحریف، اذهان مخاطبان خود را به‌چنگ گیرند و با تبلیغ ایدئولوژی‌های گوناگون جهان‌بینی متفاوتی را

1. K. Pajunen
2. sentential topic
3. discourse topic
4. N. Ghannam
5. nominalization
6. A. Hassan

برای مخاطبان خود خلق سازند؛ همچنین درسلی^۱ (۲۰۲۰) با رویکرد تحلیل گفتمان برخی ویژگی‌های متون رسانه‌های خبری انگلیسی‌زبان را برجسته می‌سازد و نوع گفتمانی که بر این مطبوعات حاکم است را به صورت مقایسه‌ای مورد کندوکاو قرار می‌دهد.

فابیشاک^۲ و دیگران (۲۰۲۱) ساخت‌های ایدئولوژیکی و ایدئولوژی را از منظر زبانی با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در روزنامه‌ها و مصاحبه‌های اداری واکاوی می‌کنند که از دیدگاه نگارندگان علت تغییر نام‌گذاری‌ها بنا به ایدئولوژی سیاست‌گذاران است که بر نام‌گذاری جای‌نام‌ها و مناطق جغرافیایی تأثیر به‌سزایی دارد.

در پژوهش‌های داخلی نیز مطالعات متعددی روی روزنامه‌ها صورت پذیرفته است. آفاگل‌زاده و دهقان (۱۳۹۳) متون خبری و رسانه‌ای را با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده‌اند که یافته‌ها نشان می‌دهد رسانه‌ها واقعیت‌ها را به درستی بازنمایی نمی‌کنند؛ برای مثال یک رویداد که به راه‌های مختلف زبانی ارائه می‌شود، نشان‌گر تأثیر عوامل غیر زبانی بر زبان خبر است. بدان معنا که مجریان خبر نسبت به زبان خبر حساس هستند و می‌خواهند ساختارهای زبانی خاصی ظهور کند که در راستای سلیقه‌های فردی یا اجتماعی آن‌ها باشد.

تاکی و نخعی (۱۳۹۴) بازنمایی ایدئولوژی را در روزنامه‌های داخلی و خارجی کندوکاو کرده‌اند و به شکل تحلیلی و توصیفی، بسامد استفاده از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی به وسیله هر دو گروه از روزنامه‌ها را مقایسه می‌کنند. یافته‌های پژوهش بیان‌گر این است که نوع مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در روزنامه‌های یادشده، بیشتر در مؤلفه حذف تفاوت دارند؛ اما نحوه بهره‌گیری از این مؤلفه‌ها متمایز و براساس ایدئولوژی و نگرشی است که از آن جانب‌داری می‌کنند. در واقع ایدئولوژی‌های متفاوت به بهره‌گیری متفاوت از مؤلفه‌های زبانی منجر می‌شود.

نعمتی (۱۳۹۷) متن‌های روزنامه انگلیسی و فارسی را با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون تجزیه و تحلیل کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روزنامه فارسی با صراحت کمتر و میزان رازگونی^۳ بیشتر و روزنامه انگلیسی با صراحت بیشتری متون خود را نشر می‌دهند.

جهانبانی و حقیبن (۱۳۹۸) در جستاری با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون، روزنامه فارسی‌زبان همشهری و اردوزبان جنگ را کندوکاو کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که ایدئولوژی

1. S. Dersley
2. M. Fabiszak
3. mystification

هر دو روزنامه در بازنمایی کنش‌گران اجتماعی متمایز است؛ زیرا در دو محور «خودی» و «دیگری» با استفاده از مؤلفه‌های فعال‌سازی، ارزش‌دهی منفی و مکان‌مداری و سایر ابزارهای گفتمان‌مدار دیگر، کنش‌گران اجتماعی را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد و تصویر معناداری از دو گروه را در اذهان مخاطبان ترسیم می‌سازند.

قاسمی اصل و نیازی (۱۳۹۹) صورت‌های مختلف ایدئولوژی زبانی را در سرمقاله روزنامه «الشرق الأوسط» تجزیه و تحلیل کرده‌اند که با الگوی تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون صورت پذیرفته است. پژوهش چنین است که نویسندگان بازنمایی‌های منفی علیه را برجسته نموده و ساخت‌های زبانی خود را به گونه‌ای نگاشته‌اند که تصویر عربستان را به صورت مثبت بازنمایی کرده است.

۲- مبانی و مفاهیم نظری پژوهش

۱-۲- ایدئولوژی و ساخت‌های ایدئولوژیکی زبان

منظور از توصیف ساخت‌های زبانی صورتی از گفتمان است که در تلاش است مشخصه زبانی یک زبان خاص بدون قضاوت ارزشی را به طور دقیق توصیف کند (بیکر و الیس^۱، ۲۰۱۱: ۳۰)؛ به دیگر سخن، در ساخت‌های زبانی دانش زبان‌شناختی مد نظر است که از راه حوزه آوایی و واجی (آواشناسی و واج‌شناسی)، حوزه واژه‌شناسی (صرف)، حوزه ساخت جمله (نحو) و ابزارهای منظورشناختی و معنایی (کاربردشناسی و معناشناسی) صورت می‌پذیرد.

در متون مطبوعاتی ایدئولوژی‌ها ممکن است ترویج داده شود تا منافع گروه‌های خاص جامعه را تأمین نماید (فلاوردو و ریچاردسون^۲، ۲۰۱۸: ۳). نوشتار این متون همان گشتارهای زبانی هستند که به یک نوع ایدئولوژی پیوند می‌خورند؛ زیرا همیشه دست‌خوش حذف یا تحریف می‌شوند (هاج و کرس^۳، ۱۹۹۶: ۳۵). ایدئولوژی برای پژوهش‌گران تحلیل گفتمان انتقادی چنان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است که به‌باور آن‌ها زبان نقش چشم‌گیری در باورهای ایدئولوژیکی افراد، پیرامون طبقه اجتماعی، روابط نژادی و سایر مباحث ایفا می‌کند و این امر از رهگذر زبان بیان می‌شود.

انبوهی از مطالب رسانه‌ها که در تیررس ما قرار می‌گیرد، درون‌مایه ایدئولوژیکی دارند؛ اما مردم همواره از آن آگاه نیستند. از این رو، وظیفه تحلیل‌گران گفتمان انتقادی بر ماساختن ماهیت ایدئولوژیک

1. S. Ellece

2. J. Flowerdew & J. E. Richardson

3. R. Hodge & G. Kress

زبان به کاررفته در پس متون است و نشان‌دادن نقش آن در شکل‌دهی پیوند میان مردم و نهادهای جامعه است (برگر^۱، ۲۰۱۶: ۱۸۵). ایدئولوژی‌ها از رهگذر گفتمان‌ها تولید و بازتولید می‌شوند و این امر از راه ساخت‌ها و راهبردهای گفتمانی صورت پذیرند (وندایک^۲، ۲۰۰۶: ۱۲۴)؛ بنابراین، نخستین هدف تحلیل گفتمان انتقادی برملا ساختن انگیزه‌های ایدئولوژیکی است که بدون تحلیل گفتمان چنین انگیزه‌هایی پنهان و پوشیده می‌ماند (چارتریس-بلک^۳، ۲۰۰۴: ۲۹).

۲-۲- سطح توصیف

سطح توصیف به مقوله‌های زبان‌شناختی اشاره دارد که در آن تحلیل‌گران با استفاده از نظام صرفی و نحوی به تحلیل زبان‌شناختی متون می‌پردازند. اگرچه نظام صرفی نظامی ذهنی است که به واژه‌سازی ارتباط دارد؛ اما همین واژه‌سازی به‌ویژه املا، هجی، بسامد آن در متن، بار مثبت و منفی آن و نیز طرح‌واژه‌ها^۴ از دیدگاه تحلیل گفتمان بسیار مهم است (بیکر و دیگران، ۲۰۱۳: ۴۱) و هرازگاهی این واژه‌ها که نشان‌گر الگوهای ذهنی قومی - نژادی هستند در نقش سبک واژگانی^۵ بر نژادپرستی پنهان اشاره دارند که به‌مثابه یک دال ایدئولوژیکی بازنمایی می‌شوند (وندایک، ۱۹۹۳: ۱-۵)؛ به دیگر سخن، واژه‌ها در نظام صرفی به‌تنهایی معنایی ندارند؛ بلکه در گفتمان و با کاربرد زبان در بافت‌های خاص است که معنا می‌یابند (کامرون و کلیک^۶، ۲۰۰۳: ۳).

همچنین این بخش مؤلفه‌های دیگری همچون استعاره‌ها، انواع نام‌دهی، الگوی ارزش‌دهی^۷ یا بار عاطفی واژگان همچون به‌گویی و دشواژه‌ها، تفکیک راهبردهای گزینشی خود و دیگری را شامل می‌شود و به‌منزله ابزار کلیدی برای تحلیل و آکاوای داده‌ها استفاده می‌شوند. (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۳۸؛ ریزیگل^۸ و وداک، ۲۰۰۲: ۲۹). در بخش توصیف وظیفه زبان‌شناس در تحلیل ساختار نحوی هر جمله‌ای، شناسایی هریک از سازه‌های جمله است و تعیین اینکه چه سازه‌ای به چه مقوله‌ای تعلق دارد و چه نقشی ایفا می‌کند (ردفورد^۹، ۲۰۰۹: ۱). از این رو، تحلیل‌گران به این امر می‌پردازند که افراد

1. A. A. Berger
2. T. A. Van Dijk
3. J. Charteris-Black
4. word sketches
5. Lexical style
6. D. Cameron & D. Kulick
7. appraisal pattern
8. M. Reisigl
9. A. Radford

چگونه با نگارش متن، سخنان و جملات آغازین و نیز سخنان بعدی خود را کنار هم می‌چینند (پالتریج^۱، ۲۰۱۲: ۳۴).

۲-۳- سطوح تفسیر و تبیین

توصیف یک گزاره با ساختار زبانی آن صورت نمی‌پذیرد و نمی‌توان تحلیل گفتمان را براساس قواعد زبان‌شناختی فروکاست؛ زیرا قلمرو گفتمان فراتر از زبان است (فوکو^۲، ۱۹۷۶). سطح تفسیر آمیزه‌ای از محتویات آنچه در متن است و آنچه در ذهن مفسر است (بیکر و دیگران، ۲۰۱۳: ۳۶). فرکلاف شش نوع از رویه‌های تفسیری را بیان می‌کند که هر یک به انواع مختلف و در عین حال با سطح تفسیر پیوند دارد: (۱) نظم اجتماعی (مربوط به بافت موقعیتی^۳)؛ (۲) تاریخ تعاملی (بینامتنیت^۴)؛ (۳) واج‌شناسی، دستور زبان، واژگان؛ (۴) معناشناسی، کاربردشناسی؛ (۵) انسجام متنی و طرح‌واره‌ها (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱۴۲).

سطح بعدی، سطح تبیین است که گفتمان را به‌منزله بخشی از یک فرایند اجتماعی به‌تصویر می‌کشد (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۱۶۳). در واکاوی متون به‌ویژه متون روزنامه‌ها این سطح به‌صورت کلان که ساختارهای اجتماعی و مناسبات قدرت را دربر می‌گیرد با سطح توصیف (متن) که پیش‌تر مطرح شد، تعامل برقرار می‌کند (ریچاردسون، ۲۰۰۷).

۳- روش‌شناسی پژوهش

داده‌های پژوهش برگرفته از (۲۵۰) عنوان متن خبری از متون روزنامه‌های «سپروان»، «سوران»، «روژان»، «ده‌نگی کردستان» و «دیوار کهن» در بازه زمانی آذر (۱۳۹۴) تا اواخر خرداد (۱۳۹۵) است که مضامین آن‌ها پیرامون انتخابات مجلس و تصویب لایحه مناطق آزاد تجاری است. در پژوهش حاضر از روش تحلیل گفتمان انتقادی با رویکرد تلفیقی فرکلاف و الگوی ون لیوون بهره گرفته شده که این روش مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است؛ اما در نوشتار پیش رو از روش کمی نیز استفاده شده است؛ زیرا در گفتمان‌شناسی تحلیل‌های کمی و کیفی می‌توانند باهم ترکیب شوند؛ یعنی اگرچه تحلیل گفتمان ماهیتاً کیفی است و با روش کمی سازگار نیست؛ اما می‌توان آن را با روش کمی ادغام کرد (آنتونی^۵ و

1. B. Paltridge
2. M. Foucault
3. situational context
4. intertextuality
5. L. Anthony

بیکر، ۲۰۱۵؛ تیلور، ۲۰۱۳). با این وصف جستار حاضر تعداد مؤلفه‌ها مانند الگوی ارزش‌دهی منفی، الگوی محوسازی^۱ (نامشخص‌سازی)، ساختار نشان‌دار (مجهول و...)، ساختار بی‌نشان (معلوم)، گفته‌مداری^۲ و نام‌دهی را به‌منظور صراحت و رازگونگی متون روزنامه‌ها از روش کمی بررسی می‌کند و این داده‌ها را با استفاده از نرم‌افزار آماری تجزیه و تحلیل می‌کند.

۴- تحلیل و بررسی داده‌ها

در پژوهش حاضر به‌منظور پاسخ به پرسش‌های ذکرشده، نخست عنوان‌ها و جملات متون روزنامه‌ها را استخراج کرده و (نام، عنوان، تاریخ و محل نشر) هریک از روزنامه‌ها را مطرح می‌سازیم؛ سپس جملات برگزیده را در سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین واکاوی می‌کنیم. در لایه توصیف براساس مؤلفه‌های زبان‌شناختی (صرفی، نحوی، کاربردشناختی و معناشناختی) و در رابطه با لایه تفسیر و تبیین که با مراکز قدرت و ساختارهای کلان جامعه مطرح می‌شود، کندوکاو می‌کنیم.

۴-۱- تجزیه و تحلیل نمونه‌های ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک

- (۱) مجلس نهم لایحه ایجاد مناطق آزاد بانه و مریوان را بایگانی کرد. (سیروان، ۱۳۹۴/۱۰/۴).
- (۲) آشناگر دوباره اطمینان داد که در دولت اراده‌ای برای تأثیرگذاری بر رأی مردم وجود ندارد. (سیروان، ۱۳۹۴/۱۱/۵)
- (۳) امام خمینی بنیادگذار انقلاب اسلامی می‌فرمایند: مجلس در رأس امور است. (سوران، ۱۳۹۴/۱۰/۱).

۴-۱-۱- سطح توصیف

می‌توان جملات یادشده را به‌صورت بُرش نحوی و گفتمانی تقسیم نمود:

ارکان جمله (۱) آشناگر	←	بار دیگر اطمینان داد
بُرش نحوی فاعل نحوی	←	گزاره
بُرش گفتمانی آغازگر	←	پایان‌بخش
ارکان جمله (۲) هرکس	←	خود را امیرکبیر می‌داند
بُرش نحوی فاعل نحوی	←	نهاد گزاره
بُرش گفتمانی آغازگر	←	پایان‌بخش

1. erasure pattern

2. utterance autonomization

لایحه تجاری را توصیف نکرد

← ارکان جمله (۳) مجلس

گزاره

← بُرش نحوی فاعل نحوی

پایان‌بخش

← بُرش گفتمانی آغازگر

از دیدگاه نظام نحوی با بررسی چیدمان واژه‌های زبان فارسی جملات (۱ و ۲) ساختاری معلوم و بی‌نشان دارند که فاعل نحوی منطبق با مبتدای گفتمانی یا عنصر آغازگر است و در این‌گونه جملات چنین انطباقی وجود دارد. از لحاظ بسامدی نیز ترتیب و چیدمان واژه‌ها در زبان فارسی براساس الگوی دستوری و اصل متعارف آن به صورت (فاعل - مفعول - فعل) است که این حالت صورت بی‌نشان ساختار دستوری جملات فارسی را شکل می‌دهد (دبیرمقدم، ۲۰۰۱).

در جملات پیش‌گفته براساس راهبردهای گزینشی «آشناگر»، «امیرکبیر» و «امام خمینی» شخص‌نام هستند که اولی «آشناگر» با نام‌دهی غیر رسمی، دومی «امیرکبیر» و سومی «امام خمینی» دارای شاخص‌های محترمانه هستند. امیرکبیر یعنی شخصی که به منصب «امارت نظام» لقب می‌گرفت. واژه امام نیز از نظر لغوی به معنای رهبر و پیشوا است. در فلسفه جمهوری اسلامی ایران چنین لقبی برای آیت‌الله خمینی (ره) این بود که توانست با رهبری خود یک نهضت دینی برپا کند و پیشوا و رهبری آن را برعهده بگیرد. به‌طور کلی، در عنوان‌دهی (عنوان رسمی و رتبه‌های شغلی و علمی مانند استاد، دکتر، پروفیسور) متون روزنامه‌ی روزان دارای بیشترین درصد است و روزنامه کردستان کمترین بهره را از این مؤلفه گرفته است. عنوان‌دهی اشاره به شاخص‌های محترمانه و القاب و عناوینی دارد که برای مخاطب به‌کار می‌رود و شاخص‌ها از درجات مختلفی برخوردارند و این درجه‌بندی، گوینده را در جایگاهی بالاتر، پایین‌تر یا برابر با مخاطب قرار می‌دهد. در جمله (۳) نویسنده با بیان «هرکس» از مؤلفه نامشخص‌سازی^۱ بهره گرفته است که هویت کنش‌گران اجتماعی پوشیده و مخفی مانده است (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۵۹).

از لحاظ کاربردشناسی و معناشناسی جمله‌های یادشده از نوع کنش بیانی هستند که از راه آن گوینده یا نویسنده، هر پاره‌گفتار و جمله‌ای را براساس قواعد آوایی، واج‌آرایی، واژگانی و نحوی زبان بیان می‌دارد، به‌گونه‌ای که دارای معنی باشد. منظور از معنی در اینجا معنای معنی‌شناختی است. اگر نویسنده چیدمان زبانی درست را از لحاظ دستوری در نظر نگیرد، خواننده نمی‌تواند جملات را در ذهن خود رمزگشایی نماید؛ زیرا چنین ساختاری در ذهن خواننده تخطی از قواعد صحیح زبانی است. این کنش

بیشتر متنی یا زبان-بنیاد است و حول محور زبان می‌چرخد (بروان و یول^۱، ۱۹۸۹: ۹۱). جملات بالا از لحاظ ساختاری از نوع کنش گفتاری مستقیم هستند. مبنای این تقسیم‌بندی رابطه ساختار دستوری جملات با نقش ارتباطی آنهاست؛ یعنی هرگاه میان ساختار یا صورت جمله و نقش آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن کنش را گفتاری مستقیم می‌نامند. به دیگر سخن، هرگاه میان ساختار دستوری با نقش ارتباطی آن رابطه یک‌به‌یک یا مستقیم وجود داشته باشد، کنش گفتاری مستقیم می‌نامیم (یول، ۲۰۰۰: ۵۵-۵۴). به‌طور کلی، کنش بیانی سه بخش «کنش آوایی»؛ یعنی بیان آوای زبان، «کنش سخن‌گشایی» بیان واژه‌ها و عبارات‌ها، «کنش-معنایی-ارجاعی» اشاره و ارجاع به مفاهیم را شکل می‌دهد که این سه بخش آواشناسی، نحو و معنی‌شناسی در علم زبان‌شناسی است (الوت^۲، ۲۰۱۰: ۹۰).

جمله (۱) از نوع پیش‌انگاشت واژگانی^۳ است که در این نوع پیش‌انگاشت، واژه‌ها برپایه معنی و سرشت درونی خود، پیش‌انگاشت می‌شوند که حاوی دو معنی تحت‌اللفظی (بیان شده) و معنی پیش‌انگاشت شده (بیان نشده) هستند. برای یافتن این نوع پیش‌انگاشت‌ها واژه‌هایی همچون «آغازکردن، دست‌کشیدن، دگربار، دیگر و...» در جمله بیان می‌شود (یول، ۲۰۰۰: ۵۸). در این جمله واژه «دوباره» به این پیش‌انگاشت اشاره می‌کند و به‌باور لوینسون^۴ این نوع فعل از نوع افعال تکراری است که همراه با افعال استنباطی، افعال تغییر حالت و ساخت‌های مقایسه‌ای و تقابلی دارای پیش‌انگاشت واژگانی هستند (لوینسون، ۱۹۹۷: ۱۸۱-۱۸۴). در واقع، افعال تکراری کنشی است برای اشاره به یک رویداد که بارها و بارها اتفاق می‌افتد (کریستال^۵، ۲۰۰۳: ۲۰۶)؛ از این رو در چنین جمله‌ای «آشناگر» دوباره درباره آن رویداد، اطمینان داده است. پیش‌انگاشت دیگری که در این جمله به چشم می‌خورد، از نوع وجودی است؛ یعنی «آشناگر» وجود دارد. در این نوع پیش‌انگاشت محمول جمله به یک ثابت نسبت داده می‌شود و وجود آن ثابت «پیش‌انگاشته» به‌شمار می‌آید (صفوی، ۱۳۹۹: ۹۳).

جمله (۲) دارای پیش‌انگاشت واقعیت‌پذیر^۶ است که فرض بر درست‌بودن آن است. افعالی مانند (دانستن)، (فهمیدن یا تشخیص‌دادن) به‌منزله یک واقعیت تلقی می‌شود و عبارتی که با واژه‌هایی همچون «آگاه»، «عجیب»، «خوشحال»، «متأسف‌بودن» و... همراه هستند، پیش‌انگاشتی تولید می‌کنند که

1. G. Brown & G. Yule
2. N. Allott
3. existential presupposition
4. S. C. Levinson
5. D. Crystal
6. factive presupposition

به‌منزلهٔ یک واقعیت به‌شمار می‌روند؛ به‌عبارت دیگر اطلاعاتی که مخاطب از جمله گوینده استخراج می‌کند، در همان جمله آورده شده است (یول، ۲۰۰۰: ۲۷). می‌توان گفت که این نوع افعال همراه با عبارت خاص موجب برانگیختن یا پدیدآمدن پیش‌انگاشت‌ها می‌شوند، مانند ماشه‌ای که باعث شلیک می‌شود یا شعلهٔ آتشی که شعله‌ور می‌شود؛ به همین سبب این نوع پیش‌انگاشت‌ها رخدادساز یا وقوعی هستند (چمپن^۱، ۲۰۱۱: ۳۴). با این وصف، در جملهٔ «خود را همچو امیرکبیر دانستن»، رخدادی را توصیف می‌کند که جنجال‌برانگیز است.

در جملهٔ (۳) نویسنده با ساختار زبانی معلوم همراه با تصویری که عکس مجلس را نشان می‌دهد، با ذکر نام «مجلس» به‌مثابهٔ مبتدای جمله آن را در کانون توجه خوانندگان قرار داده است که به این فرایند مبتداسازی می‌گویند. مبتداسازی نیت و هدف نویسنده را به‌صورت برجسته نشان می‌دهد (براون و یول، ۱۹۸۹: ۱۳۲). در کنار مبتداسازی، الگوی برجسته‌سازی^۲ مطرح می‌شود که با تصویر همراه مشخصه‌های زبانی فرایندی را برجسته می‌سازد (کرس و ون لیوون، ۲۰۰۶: ۲۱۰). در این جمله برجسته‌سازی یک بازنمای زبانی از راه توصیف‌های آشکار، خاص و ملموس است، بر این مبنا که این حوزه از زبان ارزش برجسته‌سازی را دارد و درخور توجه است (استیبی^۳، ۲۰۱۵: ۱۶۲). از این رو، نویسنده با فرایند مبتداسازی عبارت «مجلس نهم» را برجسته کرده تا به خواننده بگوید که عامل این عمل مجلس است.

شایان ذکر است که جملات همیشه به‌صورت بی‌نشان ساخته نمی‌شوند، بلکه جمله‌هایی که بار ایدئولوژیکی دارند، نشان‌دار به‌شمار می‌روند؛ برای مثال جملات (۴) و (۵) جملات نشان‌دار به‌شمار می‌روند:

(۴) اعتقاد و التزام به‌نظام جمهوری نظام جمهوری اسلامی را چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ (ده‌نگی کردستان، ۱۳۹۴/۱۰/۲۴).

(۵) جشن گرفتن پیروزی در منطق گردنشین. (سیروان، ۱۳۹۴/۱۱/۲۶)

جملات پیش‌گفته ساختارهایی نشان‌دار هستند که از عرف طبیعی دستور زبان خارج شده و اصل ارتباطی را در کلام نقض می‌کنند. از لحاظ نحوی ساخت‌هایی شبیه به این نوع جملات همچون

مجهول، شبه‌اسنادی، موصولی و... به‌نوعی ساخت‌های ایدئولوژیکی هستند (وندایک، ۲۰۰۶). چنین جملاتی در نحو ازراه آزمون حرکت صورت می‌پذیرد؛ یعنی به‌محض اینکه ترتیب سازه‌ها را به هم بزینم، با جمله‌ای نشان‌دار روبه‌رو هستیم (ردفورد، ۲۰۰۹: ۱).

در جمله (۴) پیش‌انگاشت ساختاری^۱ موجود است؛ یعنی با ذکر پرسش‌واژه‌های «چه، چه زمانی، چگونه و...» بیان شده است که درستی گفته‌های گوینده را پیش و پس از خودش پیش‌انگاشت می‌کنند. درواقع در این نوع پیش‌انگاشت فرض بر این است که انگار گوینده کل اطلاعات مطرح‌شده را به‌درستی بیان کرده است. (یول، ۲۰۰۰: ۲۸). در جمله (۵) نویسنده با فرایند اسم‌سازی عبارت «جشن گرفتن» را در آغاز جمله بیان کرده است و این جشن را به مناطق گردنشین نسبت داده است. با پررنگ‌نمودن این واژه، خواننده کنجکاو می‌شود تا از عنوان به نگاشته متن برسد و علت برگزاری این جشن را جویا شود. درواقع نویسنده با این روش قصد دارد خواننده وارد متن شده و به رویداد جشن پیروزی انقلاب دست یابد. منظور از عبارت اسم‌سازی چنین است که رخدادها و وقایع متن در قالب اسم (و نه فعل) بازنمایی می‌شوند. بدین‌معنا که صورت زبانی از یک مقوله دستوری به دیگری تبدیل می‌شود (هالیدی^۲، ۱۹۹۴).

(۶) اگر بعضی از آن‌ها تحت پیگرد قرار می‌گرفتند، شاید حکم مجرمیت می‌گرفتند. (دیوار کهن، ۱۳۹۴/۱۱/۱۴).

جمله بالا از نوع پیش‌انگاشت واقعیت‌ناپذیر^۳ است؛ یعنی با ساختار شرطی تخیلی و غیر واقعی بیان می‌شود و بیشتر در بندهای شرطی و نیز جملات التزامی مانند «ای کاش، آرزومندم و...» به‌کار می‌روند؛ زیرا با عالم واقع جور در نمی‌آیند (یول، ۲۰۰۰: ۲۹). این نوع جملات چنین پیش‌انگاشتی را می‌رسانند که رویدادهایی از این قبیل امری نامعلوم هستند (چمن، ۲۰۱۱: ۳۷)؛ زیرا در ساخت‌های شرطی بخش نخست گزاره (اگر بعضی از آن‌ها تحت پیگرد قانونی باشند) مستلزم جواب شرط (حکم مجرمیت خواهند گرفت) است. در این جمله نویسنده با بیان ضمائر مبهم (بعضی) عاملیت فاعل را با فرایند نامشخص‌سازی کم‌رنگ کرده که در این حالت فاعل می‌تواند کاملاً تلویحی بماند (وندایک، ۲۰۰۰). این نوع جملات بدون فاعل مبهم می‌مانند که اصل کمیت^۴ گرایس^۱ را نقض می‌کنند؛ زیرا تبادل

1. structural presupposition
2. M. A. K. Halliday
3. non- factive presupposition
4. quantity maxim

اطلاعات یا مقدار اطلاعات ارائه‌شده در این نوع جملات به‌لحاظ کمی به خواننده اطلاع‌رسانی نمی‌شود و نیز از اصل شیوه^۲ گرایش نیز تخطی می‌کند؛ زیرا جمله واضح و شفاف بیان نشده است و این اصل که نیت مستقیم و جان کلام را دست‌خوش ابهام می‌سازد، از مباحث مهم در تحلیل گفتمان انتقادی است (هارت^۳، ۲۰۱۰: ۴۰-۴۳).

به‌طور کلی، با بهره‌گیری از آرایش و چیدمان واژه‌ها در صورت‌های مختلف جمله می‌توان نشان داد آیا معنایی که با آن واژه بیان شده، تأکید می‌شود یا نه؛ و مشخص است که چنین تأکیدی یا عدم چنین تأکیدی، همچنان‌که در مثال‌های بالا نشان داده شد، معنای ایدئولوژیکی دارد (وندایک، ۲۰۰۰).

۴-۱-۲- سطح تفسیر و تبیین

اگرچه روزنامه‌های یادشده ادعا می‌کنند که متون خود را بی‌طرفانه و بدون سوگیری نشر می‌دهند؛ اما چنین اصلی در تحلیل گفتمان انتقادی چالش‌برانگیز است؛ زیرا هیچ مطلبی بدون سوگیری تولید نمی‌شود و بی‌طرفی و غیر جانبداری، خودش یک نوع «موضع گرفتن» است (بیکر و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۷). بیشتر گفته‌هایی که در جملات روزنامه‌های مذکور نقل شده است، از زبان مسئولان سیاسی و عالی‌مقام کشور است که کاملاً موضعی سیاسی دارند و هر یک به جریانی وابسته هستند و موقعیت گفتمان‌های رقیب در چنین گزاره‌هایی بسیار مشهود است. اینجاست که موضوع روزنامه و سیاست‌گذاران موضوعی دوسویه است و روزنامه‌ها که بخش مهم مطبوعات هستند، در راستای توجیه سیاست‌ها و منطقی جلوه‌دادن اعمال سیاست‌گذاران هستند و علائق ساختارهای قدرت را بازتاب می‌دهند (هارت، ۲۰۱۰: ۱۸).

بستر سیاسی و فکری حاکم بر مناطق یادشده به‌سبب شرایط تاریخی خاص حاکم بر آن، امری بسیار پیچیده و حساس است. وجود شرایط جغرافیایی خاص هم به‌لحاظ سیاسی و هم از بُعد مسئله مرزنشینی و نیز شرایط تاریخی از نظر مبارزات ملی‌گرایی و مذهبی و چه از نظر مبارزات فرامرزی تحمیلی، مناطق گردنشین را به آستن ظهور ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های مختلف و گاه متخاصم تبدیل کرده است. در واقع این جبرگرایی تاریخی و جغرافیایی حاکم بر مناطق گردنشین و رابطه مرکزیت و ظهور شرایط تاریخی خاص در تولید و بازتولید گروه‌های متکثر سیاسی، بسیار حائز مهم است که به‌باور فوکو (۱۹۸۰) در خلق این فضای سیاسی و ایدئولوژیکی پرتنش، امری انکارناپذیر است.

1. H. P. Grice
2. manner maxim
3. C. Hart

در این وضعیت تنش‌زا، گروه‌های رقیب و جریان‌های سیاسی متخاصم برای پیش‌برد اهداف سیاسی و فرهنگی خود به دنبال تسلط گفتمانی بر فضای جامعه و سایر گروه‌های رقیب هستند. در این راستا روزنامه‌ها مهم‌ترین ابزار برای انجام این امر مهم سیاسی تبدیل شده‌اند. در این دوره از تاریخ تحولات اجتماعی و بافت موقعیتی، رقابت گفتمان‌های موجود دهمین دوره انتخابات مجلس و نیز لایحه تجاری در گفتمان اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی چنان برجسته است که هر گروه می‌کوشند به‌گونه‌ای کوره انتخابات را با این موضوع داغ نموده و با توجه به اینکه جریان حاکم بر جامعه اصول‌گرا است؛ از این رو، اصلاح‌طلبان سعی دارند مجلس و مسئولان را در تصویب این لایحه مقصر بدانند و از راه متون نوشتاری در این روزنامه مردم را به‌مثابه مخاطبان اصلی در کانون توجه قرار دهند. به‌گفته موونتر^۱ خبرهایی پرتیراژ از این دست جریان غالب اجتماعی آن مناطق را منعکس می‌کنند و روزنامه‌ها یا هفته‌نامه‌ها منابعی شفاف برای خلق چنین گفتمان‌هایی خواهند بود. (موونتر، ۲۰۰۸: ۳۲). این نوشتارها که پیرامون موضوعات یادشده می‌شود، گاهی با وجه معلوم و گاه با وجه مجهول به‌کار گرفته شده است که در وجه معلوم، «عمل» برجسته است و نه «عامل». در وجه مجهول نیز عاملیت و علت را مشخص نمی‌کنند که چنین ساختاری به‌دلیل پنهان‌سازی جزئیات و اطلاعات برخلاف اصل کمیت‌گرایس است (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۱۳۰). به‌طور کلی، کنش‌گران اجتماعی در بندها و جملات ممکن است به‌منزله فاعل (عامل) یا به‌مثابه مفعول (هدف) بازنمایی شوند که از دیدگاه تحلیل گفتمان چنین ساختارهایی هدف‌مند است و ممکن است با ساختاری مجهول حقیقت نیز مجهول بماند (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۱۴۵). گزینش عناوین روزنامه‌ها در قالب کنش‌های گفتاری و پیش‌انگاشت‌ها بر اذهان مخاطبان تأثیر می‌گذارد. هارت در روان‌شناسی تکاملی، پیش‌انگاشت‌ها را به‌گونه‌ای تعریف می‌کند که امکان انتقال گزاره‌های ایدئولوژیکی و متقاعدکننده را به‌گوینده‌ها می‌دهند و می‌توانند منجر به تغییرات شناختی ناخودآگاه در بازنمایی‌های واقعی تولیدکنندگان متن شوند (هارت، ۲۰۱۵: ۴۷)؛ به مثال زیر دقت نمایید:

حذف تفکر اصلاح‌طلبی ممکن نیست. (سیروان، ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۹۴).

جمله پیش‌گفته که می‌گوید «تفکر اصلاح‌طلبی» وجود دارد، دارای پیش‌انگاشت وجودی است که اگر جمله را به‌صورت منفی و مثبت بیان کنیم، همچنان پیش‌انگاشت باقی است. این نوع پیش‌انگاشت‌ها برای ارجاع به مقوله خودی و دیگری استفاده می‌شود (خسروی‌نیک، ۲۰۱۵: ۲۱۱). پس

بحث اصلی روی تفکر و جریان «اصلاح‌طلبی» است که در مقابل «اصول‌گرایان» قد علم می‌کند. با این وصف، در واکاوی ساخت‌های ایدئولوژیک تحلیل گفتمان انتقادی براساس سطح توصیف (تحلیل زبان‌شناختی) به سطح تفسیر و تبیین یعنی پیوند متن با جامعه در بافت گفتمانی و نهادهای قدرتی و ایدئولوژیکی رقیب به معانی و پیام‌های پنهان اما تأثیرگذار و هدف‌مند در ماوراء متن دست می‌یابیم که هدف نویسنده و مدیران روزنامه چنین است که مخاطبان را تحت تأثیر آرا و افکار و درنهایت ایدئولوژی یا باورهای جمعی گفتمان خود قرار دهند.

۴-۲- تحلیل کمی داده‌ها

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تحلیل گفتمان انتقادی با روش کیفی پیش می‌رود؛ اما تحولات اخیر در این حوزه با یاری پیکره‌های زبانی نشان داده است که می‌توان داده‌ها را به‌صورت کمی؛ یعنی با استفاده از نمودار و جدول به‌منظور قوام‌بخشیدن به تحلیل کیفی به‌کار گرفت (آنتونی و بیکر، ۲۰۱۵). در تحلیل کمی داده‌های روزنامه‌های یادشده، الگوی ارزش‌دهی منفی، الگوی محوسازی (نامشخص‌سازی)، ساختار نشان‌دار (مجهول و...)، ساختار بی‌نشان (معلوم)، گفته‌مداری و نام‌دهی به‌منظور پوشیدگی و رازگونگی متون روزنامه‌ها بررسی شد که به شرح زیر است:

جدول (۱). فراوانی مؤلفه‌های پوشیده و صریح متون در روزنامه‌ها

روزنامه‌ها	ساختار نشان‌دار	ساختار بی‌نشان	الگوی ارزش‌دهی	الگوی محوسازی	گفته‌مداری	نام‌دهی
سیروان	۳۴۰	۲۸۰	۱۲۲	۳۱۵	۴۲۰	۳۳۹
سوران	۳۴۱	۲۰۰	۱۱۵	۳۱۰	۴۲۱	۳۴۰
روژان	۲۷۹	۲۸۵	۱۱۵	۲۹۸	۳۴۰	۳۷۰
کردستان	۱۷۱	۲۵۰	۱۳۷	۲۸۷	۱۲	۵۰
دیار کهن	۲۰۱	۲۴۰	۱۲۶	۲۱۰	۱۴	۱۱۳



نمودار (۱). درصد میزان مؤلفه‌های پوشیده و صریح در متون هفته‌نامه

همان‌طور که در جدول و نمودار نشان داده شده است. در مورد فراوانی و میزان درصد مؤلفه‌های پوشیده که نوعی رازگونی است و به چگونگی پنهان‌سازی کارگزاران اجتماعی از دیدگاه خواننده می‌پردازد. (او‌هالوران^۱، ۲۰۰۵)، می‌توان گفت این نوع مؤلفه‌ها در ساخت‌های نشان‌دار نهفته است که در روزنامه سیروان و روزنامه سوران با فاصله اندک، بیشترین درصد و روزنامه کردستان کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. همان‌طور که پیش‌تر به آن اشاره شد، ساخت‌های نشان‌دار ساخت‌های زبانی ایدئولوژیکی هستند. الگوی محوسازی که نمونه دیگری از رازگونی است، به ترتیب در سیروان و سوران بیشترین درصد را دارد. این الگو بیشتر از نوع مجهول‌سازی و نامشخص‌سازی است که منجر به حذف عامل یا کارگزاران اجتماعی در جمله می‌شود. شایسته است گفته شود که این الگو با اسم‌سازی پیوند می‌خورد که به منظور حذف و مبهم‌ساختن کنش‌گر اجتماعی از صحنه رویداد است؛ به دیگر سخن، فرایند اسم‌سازی مانع از بیان عاملیت در رویدادها می‌شود (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۳۱).

ون لیوون الگوی محوسازی را با حذف نام می‌برد و می‌گوید: در این فرایند، کارگزاران اجتماعی حذف و به حاشیه رانده می‌شوند؛ به دیگر سخن، محوسازی در پیوند با مقوله‌های هویتی تعریف می‌شود و مؤلفه گفتمان‌مدار در بازنمایی کارگزاران اجتماعی است که به دو صورت حذف بی‌غرض؛ یعنی بدون نیت انجام می‌شود و فرض بر آن است که خواننده یا شنونده از پیش جزئیات آن را می‌داند و از هویت کارگزار اجتماعی آگاه است و نوع دیگر پنهان‌سازی است؛ یعنی کارگزار از سوی خود خواننده یا نویسنده حذف می‌شود و به هیچ عنوان قابل بازیابی و بازسازی نیست و در هیچ کجای متن، هیچ‌گونه اشاره‌ای به آن نمی‌شود و حتی اعمال و رفتار کارگزار نیز حذف می‌شود (ون لیوون، ۲۰۰۸: ۲۸).

می‌توان ابزار قدرتمند محو را با اسم‌سازی نام برد که از این راه وقایع و رویدادهای متن به جای اینکه با فعل بازنمایی شوند، بیشتر با اسم تجلی می‌یابند (مارتین^۳، ۲۰۰۸)؛ اما هالیدی این مقوله را استعاره دستوری می‌نامد (هالیدی، ۱۹۹۴). همان‌طور که در جدول و نمودار (۱) نشان داده شده است، درصد بهره‌گیری از مؤلفه گفته‌مداری به جای فردی که گزارش می‌دهد استفاده می‌شود و این مؤلفه در روزنامه کردستان و دیار کهن با کمترین درصد و اما در روزنامه سیروان و روزنامه سوران با بیشترین درصد از این مؤلفه استفاده کرده‌اند تا عینیت و بی‌طرفانه بودن مطلب را تأکید نمایند و در آینده برای

1. K. A. O'Halloran
2. Exclusion
3. J. R. Martin

نویسندگان حاشیه‌سازی ایجاد نشود و همین امر سبب شده تا نویسندگان از مؤلفه گفته‌مداری که نقل‌قول از دیگران است، استفاده کنند (پارمحمدی، ۱۳۸۳).

پالمر^۱ بدان باور است که چنین ترفندی در نگاشته‌ها با بهره‌گیری از ادات مسموع^۲ صورت می‌پذیرد؛ یعنی چیزی که نویسنده شنیده است و هیچ تعهدی در قبال گفته‌های خود ندارد (پالمر، ۱۹۸۶). در استفاده از مؤلفه نام‌دهی می‌توان گفت که روزنامه کردستان با کمترین درصد، روزنامه روزان با بالاترین درصد و سپس روزنامه سیروان و سوران هم‌سو و به یک میزان این مؤلفه را در متونشان پوشش داده‌اند. نام‌دهی و عموم زیرمقوله‌هایش در متون صریح هستند؛ زیرا نویسنده به‌صراحت شاخص‌های افراد را به‌صورت رسمی و نیمه‌رسمی مخاطب قرار می‌دهد (ون لیوون، ۱۹۹۶).

درمورد الگوی ارزش‌دهی منفی، روزنامه سوران و روزان با بالاترین درصد، به‌صورت یکسان از این مؤلفه در واژگان خود استفاده کرده‌اند؛ یعنی بار عاطفی منفی در نوشتار این روزنامه‌ها به‌طرز چشم‌گیری دیده می‌شود که در علم معنی‌شناسی با گزینش این واحدهای واژگانی تصویر یک متن در ذهن مخاطب بار معنایی منفی به خود می‌گیرد (هو و لیو^۳، ۲۰۱۹). با توجه به اینکه «جامعه» در اینجا از نویسندگان و خوانندگان یک متن خاص تشکیل شده است، از این رو، نویسندگان باید بدانند که واژگانی که بار منفی دارند نمی‌توانند بر ذهن خواننده تأثیر بگذارد؛ زیرا خوانندگان قدرت نقد دارند و می‌توانند الگوی ارزشی را به پرسش و چالش بکشانند و اجازه ندهند به‌مثابه یک ارزش در ذهنشان نفوذ کرده و بر زندگی‌شان تأثیر گذارد (استیبی، ۲۰۱۵: ۵۸).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر ساخت‌های ایدئولوژیکی را در روزنامه‌های فارسی‌زبان استان کردستان بررسی کرد که با بهره‌گیری از چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، با رویکرد تلفیقی فرکلاف و ون لیوون به این نتیجه دست یافت که روزنامه‌های یادشده در سطح توصیف از ابزارهای زبان‌شناختی به‌گونه‌ای بهره می‌برند که هم‌سو با ایدئولوژی‌هایشان شکل بگیرد. گاهی از ساخت‌های نشان‌دار و الگوی محوسازی همچون مجهول، فرایند اسم‌سازی و گفته‌مداری به‌منظور پوشیدگی و رازگونگی در متونشان استفاده می‌کنند و گاه نیز ساختارهای زبانی خود را به‌صورت بی‌نشان در وجه معلوم در تیررس خوانندگان قرار می‌دهند

1. F. R. Palmer

2. hearsay particle

3. Z. Hu & H. Liu

تا جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های خود را از راه مقوله‌های زبانی بازتاب دهند.

با این وصف در پژوهش حاضر با بررسی داده‌ها میان مشخصه‌های زبانی و رابطه آن‌ها با نهادهای قدرت پیوند معناداری به چشم می‌خورد. هرکدام از این روزنامه‌ها می‌کوشند با ساختارهای زبانی از نوع ارزش‌گذاری مثبت و نیز با بهره‌گیری از الگوی برجسته‌سازی و محوسازی، مبتداسازی، اسم‌سازی و... منافع و ایدئولوژی‌های گروه خاصی را برجسته سازند و دیگر رقبا را به حاشیه برانند. در این میان روزنامه روزان بارها ناکارآمدی مجلس را در تصویب لایحه مرزی به پرسش می‌کشد و دیدگاه منتقدانه‌ای به تصمیمات مجلس دارد. نگاه‌های روزنامه‌دهنگی کردستان با نگرشی انتقادی اصول‌گرایان را مورد هدف قرار می‌دهد و اصلاح‌طلبان را به‌طور مثبت بازنمایی می‌کند. روزنامه دیارکهن نیز دغدغه‌ها و مشکلات معیشتی فرهنگیان را مطرح می‌سازد و نسبت به سایر روزنامه‌ها انتخابات مجلس و لایحه مرزی را کمتر بازتاب داده است. دیدگاه روزنامه سیروان و روزنامه سوران نیز نه تنها دارای رویکردی انتقادی نیستند؛ بلکه بیشتر در راستای منافع جریان‌های غالب و مسلط بر این مناطق متون خود را می‌نویسند. از این رو، مؤلفه‌های زبانی در سطح کیفی و کمی نشان می‌دهد که گفتمان روزنامه‌های یادشده هر یک از یکدیگر متمایز و به‌صورت معنادار عناوین و نگاه‌های خود را در تیررس مخاطبان قرار می‌دهند.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و مسعود دهقان (۱۳۹۳). تحلیل شیوه‌های بازنمایی گزینش خبر، بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. *نشریه جستارهای زبانی*، ۵ (۴)، ۱-۱۶.
- تاکی، گیتی و مریم نخعی (۱۳۹۴). نحوه بازنمایی ایدئولوژی در روزنامه‌های داخلی و خارجی درباره برنامه هسته‌ای ایران. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱ (۱)، ۱۳۱-۱۴۹.
- جهانبانی، زهرا و فریده حقیقین (۱۳۹۸). تحلیل گفتمان انتقادی بحران یمن در مطبوعات ایران و پاکستان بر مبنای انگاره کنش‌گران اجتماعی: روزنامه همشهری و جنگ. *فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی*، ۲ (۴)، ۳۷-۵۰.
- صفوی، کورش (۱۳۹۹). *فرهنگ توصیفی فلسفه زبان*. تهران: نشر علمی.
- قاسمی‌اصل، زینب و شهریار نیازی (۱۳۹۹). مطالعه بازنمایی ایدئولوژیک ایران در روزنامه الشرق الأوسط با تکیه بر الگوی ون دایک. *نشریه ادب عربی*، ۱۰ (۲)، ۱۱۳-۱۳۵.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*. تهران: هرمس.

References

Aghagolzadeh, F. & M. Dehghan (2014). The Analysis of News Selection Representative

- Methods from CDA Perspective. *Journal of Language Related Research*, 5 (4), 1-16. (In Persian).
- Allott, N. (2010). *Key terms in pragmatics*. London: Continuum.
- Anthony, L. & P. Baker (2015). ProtAnt: A tool for analysing the protoypicality of texts. *International Journal of Corpus Linguistics* 20 (3), 273-292.
- Baker, P. & S. Ellece (2011). *Key Terms in Discourse Analysis*. London: Continuum.
- Baker, P., C. Gabrielatos & A. McEnery (2013). *Discourse Analysis and Media Attitudes: The Representation of Islam in the British Press*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Berger, A. A. (2016). *Applied Discourse Analysis: Popular Culture, Media, and Everyday Life*. New York: Macmillan.
- Brown, G. & G. Yule (1989). *Discourse Analysis*. Cambridge: Cambridge University press.
- Cameron, D. & D. Kulick (2003). *Language and Sexuality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chapman, S. (2011). *Pragmatics*. London: Palgrave Macmillan.
- Charteris-Black, J. (2004). *Corpus Approaches to Critical Metaphor Analysis*. New York: Palgrave MacMillan.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. Blackwell: Blackwell Publishers.
- Dabir-Moghaddam, M. (2001). *Word Order Typology of Iranian Languages*. *The Journal of Humanities*. 2.8, 17-23.
- Dersley, S. (2020). *A Discourse Analysis of News Media Articles on the Polish 'Rule of Law Crisis*. *Comparative Legilinguistics*, vol. 44/2020.
- Fabiszak, M., I. Buchstaller, A. W. S. Brzezińska, S. Alvanides, F. Griese & C. Schneider (2021). *Ideology in the linguistic landscape: towards a quantitative approach*. In *Discourse & Society*, 32 (4) 405-425.
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Fairclough, N. (2003). *Analyzing Discourse: Text Analysis for social Research*, New York: Routledge.
- Flowerdew, J. & J. E. Richardson (2018). *The Routledge handbook of critical discourse studies*. London: Routledge.
- Foucault, M. (1976). *Society Must Be Defended Lectures at the College de France 1976-77*. London: Picador.
- Foucault, M. (1980). "Two Lectures", in C. Gordon (Ed.), *power/ Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972 1977*. Harvester: Brighton.
- Fowler, R. (1991). *Language in the news: Discourse and ideology in the press*. London: Routledge.
- Ghannam, N. (2011). *Newspaper ideology: a critical discourse analysis of an event published in six Lebanese newspapers*. M.A Thesis: University of the Witwatersrand.
- Ghasemiasl, Z. & Sh. Niazi (2019). Study of Iran's Ideological Representation in Al-Sharq Al-Awsat newspaper Based on Van Dijk Model. *Journal of LesaneMobin*, 10 (2),

- 133-135. (In Persian).
- Halliday, M. A. K. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. Second edition. London: Edward Arnold.
- Hart, C. (2010). *Critical discourse analysis and cognitive science: New perspectives on immigration discourse*. New York: Palgrave Macmillan.
- Hodge, R. & G. Kress (1996). *Language as ideology*. London: Routledge.
- Hu, Z., Liu, H. (2019). *The Affective Meaning of Words is Constrained by the Conceptual Meaning*. J Psycholinguist Res.
- Jahanbani, Z. & F. Haghbin (2019). Critical Discourse Analysis of Yemeni Crisis in the Iranian and Pakistani Press on the Basis of a Model of Social Actors: Hamshahri and Jhang Newspapers in Focus. *Journal of Sociolinguistics*, 2 (4) , 37-50. (In Persian).
- KhosraviNik, M. (2015). *Discourse, identity and legitimacy*. Amsterdam / Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Kress, G. & T. A. Van Leeuwen (2006). *Reading images: the grammar of visual design*. London: Routledge.
- Levinson, S. C. (1997). *Pragmatics*. Cambridge University Press, New York.
- Martin, J. R. (2008). *Genre Relations: Mapping Culture*. London: Equinox.
- Mautner, G. (2008). *Analysing newspapers, magazines and other print media in Wodak, R and Krzyzaowski (eds) Qualitative discourse analysis in the social sciences*. New York: Palgrave Macmillan.
- O'Halloran, K. A. (2005). Mystification and social agent absences: a critical discourse analysis using evolutionary psychology. *Journal of pragmatics*. vol.37, pp.
- Pajunen, K. (2008) Institutions and Inflows of Foreign Direct Investment: A Fuzzy-Set Analysis. *Journal of International Business Studies*, 39, 652-669.
- Palmer, F. R. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Paltridge, B. (2012). *Discourse analysis: an introduction*. London: Continuum.
- Radford, A. (2009). *Analyzing English Sentences: A Minimalist Approach*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Richardson, J. E. (2007). *Analysing newspapers: An approach from critical discourse analysis*. Houndmills: Palgrave Macmillan.
- Safavi, K. (2020). *Glossary of language philosophy*. Tehran: Elmi. (In Persian).
- Stibbe, A. (2015). *Language, Ecology, and the Stories We Live by*. New York: Routledge.
- Taki, G. & M. Nakhaei (2015). The Way of Representation of Ideology in Local and International Newspapers about Iran's Nuclear Program. *Journal of Iranian Cultural Research (JICR)*, 8 (1), 149-131. (In Persian).
- Van Dijk, T. A. (1993). *Analyzing Racism Through Discourse Analysis, some Methodological Reflections*. London: SAGE Publications.
- Van Dijk, T. A. (2000). *Ideology and Discourse: a Multidisciplinary Introduction*. Barcelona: PamperFabra University press.
- Van Dijk, T. A. (2006). Ideology and Discourse Analysis. *Journal of Political Ideologies*, 11 (2), 115-140.
- Van Leeuwen, T. A. (1996). The representation of social actors. In *CaldasCoulthard, C. R. & M. Coulthard (eds.), Text and Practices, Reading in CDA*. London: Routledge.
- Van Leeuwen, T. A. (2008). *Discourse and practice, New tools for critical discourse*

analysis. New York: oxford university press.

Wodak, R. & M. Meyer (2009). *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: SAGE Publications.

Yarmohammadi, L. (2004). *Common and Critical Discourse Analysis*. Tehran: Hermes (In Persian).

Yule, G. (2000). *Pragmatics*. Oxford: University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني